

## ارزیابی تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل

بهزاد قاسمی\*

استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ghasemi.b1981@gmail.com

### چکیده

**هدف:** انقلاب اسلامی ایران ماهیت دینی و فرهنگی دارد. با عنایت به ماهیت گفتمانی انقلاب، تغییرات شگرفی در نظام سیاسی و ارزشی پدید آورده و تأثیراتی بر کشورهای پیرامونی خود گذاشت. فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی در تاریخ معاصر با نهضت امام خمینی (ره) آغاز شد؛ در برهه جنگ تحمیلی گسترش یافت و در سطح ملی و وطنی به اوج خود رسید. پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله نه‌تنها فرهنگ شهادت‌طلبی فراموش نشد، بلکه در «محور مقاومت» و فراتر از آن گسترش یافت. هدف این تحقیق ارزیابی تأثیر آن است.

**روش:** مقاله حاضر با موضوع نقش و تأثیر شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی، در صدد پاسخ‌دهی به این پرسش است که فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی چه نقش و تأثیر بیرونی داشته و این تأثیرات چگونه عمل کرده است. این مقاله با روش تحقیق کیفی تحلیل اسنادی نوشته شده و پژوهش را روش تحلیل ارزشی - تفهیمی کمک کرده است.

**یافته:** یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، فرهنگ شهادت‌طلبی در سطح ملی عرصه آرمانی و نظری انقلاب اسلامی را از شروع نهضت تاکنون در تاریخ انقلاب اسلامی عملی کرده است، در سطح منطقه‌ای و جهان اسلام زمینه همگرایی جهان اسلام را فراهم کرده و به گسترش و تقویت محور مقاومت انجامیده است. در عرصه بین‌الملل زمینه استکبارستیزی و مقابله با تروریسم بین‌الملل را در دامنه وسیع‌تری فراهم کرده است.

**نتیجه‌گیری:** مطابق با پرسش مطرح‌شده در تحقیق، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد فرهنگ شهادت‌طلبی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر داشته و مهم‌ترین دستاورد آن مبارزه با داعش و «تروریسم بین‌الملل» بوده است.

**واژگان کلیدی:** شهادت‌طلبی، محور مقاومت، انقلاب اسلامی، جهان اسلام، عرصه بین‌الملل.

**Evaluation of the Impact of the Martyrdom Culture of the Islamic Revolution in the Islamic World and the International Arena**

**Behzad Ghasemi\***

Assistant Prof, Imam Hossein University, ghasemi.b1981@gmail.com

**Abstract**

**Objective:** The Islamic Revolution of Iran has a religious and cultural nature. Given the discursive nature of the revolution, it has created tremendous changes in the political and value system and has had an impact on its peripheral countries. The culture of sacrifice and martyrdom in contemporary history began with the movement of Imam Khomeini, and expanded at the time of the imposed war and reached its peak at national and national levels. After the end of the eight-year imposed war, not only the culture of martyrdom has not been forgotten, it has continued, and found wide scope in the "axis of resistance" and beyond. The purpose of this study is to evaluate its impact.

**Methods:** The present article deals with the role and effect of the martyrdom of the Islamic Revolution, and seeks to answer this question, what has been the role and effect of the Islamic Revolution's sacrifice culture and martyrdom, and how these effects have acted. This paper is written using the qualitative research methodology analysis and the research is instrumental in analyzing value-comprehension.

**Result:** The research findings indicate that the culture of martyrdom at the national level has implemented the ideological and theoretical context of the Islamic Revolution since the beginning of the movement so far in the history of the Islamic revolution. On the regional and world levels, has provided the field of Islamic world convergence and expanding and strengthening the axis of resistance. On the surface of, and in the international arena, the field of anti-terrorism and countering international terrorism has provided a wider scope.

**Conclusion:** According to the research question, the result of the research shows that the martyrdom culture has had an impact on the regional, trans-regional and international levels, but most important achievement was the fight against ISIS, "International Terrorism."

**Key words:** Martyrdom, Resistance Axis, Islamic Revolution, Islamic World, International Arena

## مقدمه

فرهنگ ایثار و شهادت یکی از شاخصه‌های اصلی جهاد و مبارزه حق علیه باطل است، زمینه تاریخی ایثار و شهادت به صدر اسلام و دوره حیات پیامبر برمی‌گردد در جنگ‌ها و غزواتی که پیامبر شرکت داشتند افرادی در جنگ شهید شده یا دچار مجروحیت می‌شدند. این ارزش و فرهنگ شهادت در صدر اسلام وجود داشته و در زمان قیام امام حسین (ع) در نهضت عاشورا به اوج خود رسید. پس از پایان واقعه عاشورا فرهنگ ایثار و شهادت بیشتر جنبه نظری داشته و در اسناد و روایات باقی ماند یا دست کم در کمتر نهضت‌های انقلابی با این رویکرد دینی و ارزشی آشکار شد.

در دوره معاصر با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی فرهنگ ایثار و شهادت احیا شد، زیرا امام خمینی (ره) نهضت خود را الهام گرفته از نهضت سیدالشهدا نامیدند. در نهضت انقلاب اسلامی شهادت‌طلبی مبتنی بر این آیه شریفه تبیین و تحلیل می‌شد «...و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون» (آل عمران ۱۶۹). البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده به حیات ابدی شده‌اند و در نزد پروردگارشان متعمم خواهند بود و روزی دریافت می‌کنند. در این دوره نیز امام خمینی (ره) با تولید گفتمان جدید معتقد بودند «...ما بندگان خدا هستیم و در راه او حرکت می‌کنیم و پیشروی می‌کنیم. اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است» (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۳۶). در دوره معاصر با تولید گفتمان ایثار و شهادت از سوی ایشان، اکنون و در زمان حاضر، هرکس می‌تواند در راه خدا قیام کند و به فیض شهادت برسد. دیگر، مفهوم شهادت مربوط به صدر اسلام نبود، بلکه در گفتمان جدید دوباره بازسازی و بازتولید شده بود (غفاری هاشجین و دیگران: ۱۳۸۹: ۱۶۹). در گفتمان امام خمینی (ره) رمز استقلال کشور از ابرقدرت‌های شرق و غرب، ایثار و شهادت است. در این گفتمان، ملت با پشتوانه الهی قیام می‌کنند و با اتکال به قدرت لایتناهی خداوند متعال در مقابل قدرت‌های مادی غرب و شرق می‌ایستند، ایثار می‌کنند و شهید می‌شوند تا استقلال خود را از شرق و غرب به دست آورند؛ «این یک مسئله الهی بود نه یک مسئله بشری، اینکه همه ایران در مقابل این قدرتی که این‌ها دارند، بلکه در مقابل همه قدرت‌ها ایستاد و با دست خالی مشت‌ها را گره کردند و نه به حکومت‌نظامی و نه به دولت نظامی و نه به پشتیبانی‌های امریکا و شوروی اعتنا نکردند و همه باهم در همه ابعاد کشور فریاد زدند که ما نمی‌خواهیم، مرگ بر این شاه! مرگ بر این سلسله» (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۵، ۸۳). بر اساس این رویکرد و اندیشه امام خمینی (ره) قدرت معنوی جایگزین قدرت مادی شده و با فرهنگ ایثار و شهادت در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی کرد.

درباره کنش ارزش انسان که منبعث از اندیشه دینی است گفتنی است، انسان دارای نیروهای درونی است که در هنگام ضرورت و مناسب به حرکت درمی‌آیند. وقتی که انسان‌ها به خودآگاهی برسند و وضعیت موجود را درک کنند؛ علیه وضعیت موجود به حرکت درمی‌آیند. در اینجا است که ایثار و فداکاری شکوفا می‌شود و مسیر رسیدن به هدف را هموار می‌کند؛ بنابراین، ایثار و شهادت‌طلبی یکی از ملزومات

زندگی اجتماعی است. و از طریق آن ظلم، ستم، بی‌عدالتی، مفاسد اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌های غیرانسانی برچیده می‌شوند. البته ایثارگری و شهادت‌طلبی در تمامی جوامع وجود دارد، اما در جوامع دینی و اسلام شهادت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، ولی لازم به ذکر است اگر جامعه از مسیر الهی خارج شود و ارزش‌های غیر الهی حاکم شود، ایثارگری و شهادت‌طلبی کارایی خود را از دست خواهد داد.

بیان مسئله: فرهنگ اسلامی و اصول و قواعد اخلاقی آن به‌طور عام و چهارچوب فقهی آن به‌طور خاص، تأثیر عمیقی بر درک مردم ایران از محیط اطراف خود و «بایدها» و «نبایدها» ی آنان نهاده است. در واقع اسلام یک مجموعه «شناختی» است که در عین حال معیارهای «ارزش‌گذارانه» را نیز با خود به همراه دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲) و یک کنشگر معتقد مسلمان از منظر آن به تفسیر از پدیده‌ها و واقعیت‌های بیرونی می‌پردازد. انسان انقلابی دوره معاصر و برهه نهضت امام خمینی (ره) را با قرائت خاص مکتب شیعی درمی‌یابند. مذهب شیعه به‌عنوان اسلام راستین بر حقانیت و پیروی از امام علی (ع) و اهل‌بیت پیامبر اکرم (ص) شکل گرفت و منادی رهبری نهضت عدالت‌خواهانه‌ای شد که در حکومت اشرافیت عربی دورافتاده از سنت رسول‌الله (ص) از خود واکنش نشان می‌داد (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳۰-۱). با این وصف آنچه درباره فرهنگ شهادت‌طلبی طرح می‌شود مبتنی بر فرهنگ دینی - ارزشی و بازتولید شده توسط رهبران انقلاب اسلامی است.

در گفتمان امام (ره)، شاه، یزید زمان و انقلابیون، اصحاب امام حسین (ع) محسوب می‌شدند و همان‌گونه که یاران امام حسین (ع) در راه خدا ایثار کردند و به شهادت رسیدند، یاران انقلاب اسلامی نیز می‌توانستند در راه خدا از جان و مال خویش بگذرند و به مقام شهود خداوندی نائل آیند. در جنگ تحمیلی هشت‌ساله رزمندگان ایران اسلامی در مقابل رژیم بعثی صدام نیز چنین مصداقی را پیدا کرده بود. امروزه در تبیین شهادت‌طلبی فراوطنی «محور مقاومت» علاوه بر مبارزه با رژیم‌های استبدادی و حکومت‌های اقتدارگرا در مقابل استکبار و یزید زمان «امریکا، رژیم صهیونیستی و داعش» قرار دارند. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود نقش و تأثیر شهادت‌طلبی به‌عنوان یک فرهنگ و ارزش در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و امروزه گسترش و اشاعه آن در محور مقاومت دارای اهمیت مطالعه و پژوهش است. از طرفی شهادت‌طلبی به تغییر ماهیت و مبانی قدرت در عرصه سیاسی انجامیده است. مبانی دینی در شهادت‌طلبی مهم است؛ بنابراین، این مقاله علاوه بر مفهوم شهادت‌طلبی به معنای فراوطنی که مفروض اصلی مقاله است، بلکه به قلمرو آن در محور مقاومت و تأثیر آن در تغییر معادلات سیاسی در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت است.

مفهوم شهادت‌طلبی ریشه در فرهنگ دینی داشته که نهضت انقلاب اسلامی ایثار و شهادت‌طلبی را با یادآوری نهضت عاشورا زنده کرده و الگوی نهضت انقلاب اسلامی قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی فرهنگ شهادت‌طلبی روند رشد و گسترشی به فراتر از مرزهای سرزمینی گسترش پیدا کرده و در مقابل ظلم و استکبار نمود عملی یافت. در این مقاله نقش و تأثیر شهادت‌طلبی فراوطنی انقلاب

اسلامی در سه سطح؛ ملی، منطقه‌ای «جهان اسلام» و بین‌المللی بحث و بررسی شده و در نهایت دستاوردهای آن اشاره شده است.

### پیشینه پژوهش

درباره موضوع شهادت‌طلبی کتاب، مقالات و تحقیقات مختلف و متنوعی انجام شده است، که برخی از مقالات مورد استفاده این مقاله نیز قرار گرفت است؛ در برخی تحقیقات و مقالات نیز در مقاله حاضر به صورت غیرمستقیم و نظری مورد استفاده نویسنده قرار گرفته است. برای نمونه مقاله جایگاه عدالت‌طلبی در منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از وحید نوری و محمد ملکوتی که این مقاله با روش سازه‌انگاری در پی تأثیر ارزش و منابع هویت‌ساز در تحولات معاصر ایران بوده است. مقاله مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی از زاهد غفاری هاشجین و همکاران و مقاله نقش فرهنگ ایثار و شهادت به مثابه سرمایه اجتماعی در پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری از زاهد غفاری و مریم دژگیر از مقالات مرتبط در این زمینه هستند؛ این مقاله بیشتر در حوزه انقلاب اسلامی و قلمرو داخلی بررسی شده است. همچنین مقالات و نوشته‌هایی که در ایده پردازی مقاله مؤثر بودند که برخی ارجاع شده است. آنچه در این مقاله مهم و دارای اهمیت است رویکرد «بیرونی» شهادت‌طلبی است که اکثر مقالات به اهمیت فرهنگ شهادت‌طلبی و در برخی کمتر به تأثیرات وطنی و حوزه انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است، ولی در مقالاتی که نویسنده بررسی کرده به نقش و تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی فراوطنی و تأثیر آن در «محور مقاومت»، «گرایش به شهادت با تأییدپذیری از انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی» و همچنین دستاوردهای «شهادت فراوطنی» به صورت مقاله انجام نشده است. تفاوت این مقاله با سایر پژوهش‌های انجام‌شده در قلمرو مکانی و گستره جغرافیایی تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی است. در واقع نوآوری این پژوهش بررسی اثر منطقه‌ای و بین‌المللی فرهنگ شهادت‌طلبی در انقلاب اسلامی و مبتنی بر این گفتمان است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع هدف، تحقیق بنیادی است. از سوی دیگر چون در این مقاله به توصیف، مطالعه و تحلیل آنچه هست و تأثیر گذاشته پرداخته خواهد شد؛ بنابراین، از لحاظ نوع اجرا در دسته «توصیفی - تحلیلی» قرار دارد و از جهت روش مبتنی بر یافته با روش تحقیق «کیفی تحلیل اسنادی» نوشته شده است؛ با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اکتشافی مفاهیم و فرهنگ شهادت‌طلبی را تحلیل و ارزیابی کرده است.

### چهارچوب نظری

شهادت‌طلبی و ایثارگری از مباحث و موضوعات فرهنگی - دینی هستند که در هنجارهای ارزشی جامعه معنا پیدا می‌کنند. انگیزه فداکاری و روحیه شهادت‌طلبی بدون تفسیر و در نظر گرفتن گفتمان مسلط و فرهنگ جامعه قابل تبیین و تفسیر نیستند. بررسی نقش و تأثیر شهادت‌طلبی در معادلات سیاسی

و بین‌المللی تنها با رویکرد ایدئولوژیک و ارزشی و هنجار جامعه قابل تبیین و تحلیل است، شهادت‌طلبی را می‌توان در رهیافت‌ها و نظریه‌های مختلف دینی و علوم اجتماعی تبیین کرد. برای نمونه رویکردهای کیفی از جمله رهیافت‌های مناسب به نظر می‌رسند. در این دسته سازه‌انگاری و مکاتب تفسیری بهترین نوع و نمونه هستند که در این مقاله از نظریه تفهیمی و کنش ارزشی ماکس وبر برای تبیین موضوع شهادت‌طلبی که یک نوع کنش ارزشی هست، استفاده شده است؛ درحالی‌که این نظر توانایی تبیین تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی بر گستره جهان اسلام و بین‌الملل را به‌تنهایی ندارد. در اینجا به نقش ارزش اقدام به این نوع عمل از منظر اندیشمندان اجتماعی اشاره می‌شود.

پیش از وبر اندیشمندان اجتماعی به‌ویژه اثبات‌گرایان بر این عقیده بودند که وقایع اجتماعی به طبع یک پویایی و حرکت درونی و بدون مشارکت و دخالت انسان تحول می‌یابد، ولی ماکس وبر در مقابل چنین نگرشی بر آن بود که می‌توان ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی را از کنش‌های گوناگون انسان که هر یک حاصل معنا و هدفی خاص است، جدا کرد. او سعی دارد تا به شیوه‌ای عینی زندگی انسان را در محیط اجتماعی‌اش بفهمد. و رشد اجتماعی را منوط به نیاتی که انسان اجتماعی در پس آن روابط در ذهن خود پرورانده است و معانی که در آن می‌جستند و معانی متفاوتی که در طول زمان به آن داده، است می‌داند. ماکس وبر برخلاف پیشینیان خود تأکیدش در حوزه جامعه‌شناسی متوجه معانی ذهن است که انسان‌های کنشگر به کنش‌هایشان می‌دهند.

ماکس وبر معتقد است فقط فرد است که قادر به انجام کنش «معنادار» اجتماعی است. «به لحاظ جامعه‌شناختی، چیزی به‌عنوان شخصیتی جمعی که عمل می‌کند» وجود ندارد. وقتی در متنی جامعه‌شناختی به دولت، ملت، سازمان صنفی، خانواده یا یگان ارتشی، یا به جمع‌هایی مشابه اشاره می‌شود، منظور از آن نوع خاصی از شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی واقعی یا ممکن اشخاص منفرد است» (پارکین، ۱۳۸۴: ۲۲).

یکی از مفاهیمی که وبر به آن توجه بسیار نشان داد، مفهوم عقلانیت بود. به عقیده وی روند جوامع در فرایند تاریخی به سوی عقلانی شدن زندگی جمعی و روابط اجتماعی در حرکت است. از نظر وی صنعتی شدن، رنسانس و شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری نیز محصول فرایند عقلانی شدن است. عقلانی شدن، یعنی دخالت هر چه بیشتر عقل و منطق در سازمان‌دهی روابط اجتماعی است. وبر پیش‌بینی کرد که این روند عقلانی شدن سبب تغییر روابط و مناسبات میان افراد در جامعه شده و باعث می‌شود ماهیت روابط و قوانین در جامعه و سازمان‌دهی امور اجتماعی از سنتی به عقلانی مدرن تبدیل شود. او از همین زاویه به تحلیل پدیده‌های اجتماعی پرداخت (ریترز، ۱۳۷۴: ۳۴).

کنش از دیدگاه وبر مدلی از رفتار که همراه با ادراک است. اگر شهادت‌طلبی بر اساس «کنش ارزشی وبر» تحلیل شود، گفتنی است که هرگونه رفتار و اعتقاد که منجر به ایثار و شهادت شود دارای مبانی ارزشی و هنجاری است که ریشه در فرهنگ دینی و ایدئولوژیک دارد.

در انواع کنش‌های اجتماعی و بر چهار دسته از کنش رفتاری را طرح کرده؛ کنش عقلانی معطوف به هدف، کنشی است که در آن فاعل کنش/کنشگر یک هدف روشن را در نظر دارد و همه وسایل را برای رسیدن به آن با هم بکار می‌گیرد. در این دسته از کنش‌های رفتاری بسیاری از مبانی ارزشی و هنجاری مورد توجه و دقت قرار نمی‌گیرد. تنها کنشگر به دنبال هدف اصلی و نهایی است؛ در این نوع هدف شاید کنشگر از روش‌های نامشروع و شیوه‌های غیراخلاقی و ضدارزشی و ضدهنجار استفاده کند؛ در نتیجه این نوع از رویکرد وبری توانایی تبیین پدیده شهادت‌طلبی را ندارد.

کنش عاطفی ناشی از تمایلات خاص و وضعیت‌های احساسی است که اگر این رفتار به شکل آگاهانه کنترل شود، جنبه عقلایی پیدا می‌کند؛ از این رو این نوع کنش عقلایی شخصی است. کنش سنتی جنبه تقلیدی و روزمرگی دارد و از طریق گرایش به سنت و عادات رایج حاصل می‌شود. در این کنش فقط به انگیزه بازتاب‌هایی که به دلیل ممارست‌های طولانی در فرد نهادینه شده است تمرکز دارد و همواره نتایج قابل اطمینانی به دست نخواهد داد.

در رویکرد کنش عقلانی معطوف به ارزش؛ کنش عقلانی مبتنی بر ارزش و هنجارها علاوه بر اینکه ریشه در تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های ایدئولوژیک دارد. در برخی ریشه فطری دارد. این کنش درونی است کنشگر و فاعل کنش با قبول خطرها، تهدیدات به نحوی عقلانی رفتار می‌کند. روش تفهیمی، یعنی سعی در فهم ذهن کنشگر است. همه کنش‌ها بعد ذهنی دارند و دارای ارزش هستند. عقلانیت نیز ابزاری است، یعنی محاسبه‌گری می‌کند (ریمون، ۱۳۹۰: ۵۶۶). عقلانیت ارزشی، نوعی باور آگاهانه به ارزش‌های اخلاقی، زیبایی‌شناختی، مذهبی و ارزشی است. این نوع از عقلانیت معطوف به توفیق بیرونی نیست و معطوف به هدف صرف نیست. معنادار بودن کنش عقلانی ارزشی جنبه تکلیفی برجستگی دارد، در کنش ارزشی معنا و هدف در رفتار کنشگر نهفته است.

بر این اساس و مبتنی بر رویکرد کنشی و بر انسان موجودی است که بر اساس نیروی خوددوستی، دفاع از حقوق و منافع خویش را یک امر ضروری می‌داند. و برای عملی کردن آن، ایثار و شهادت‌طلبی را ابداع کرده است. ایثار و شهادت‌طلبی عاملی است که بر اساس قاعده «نفی سبیل» هیچ نوع سلطه را نمی‌پذیرد. تفکر عقلانی و منطقی بر اساس محاسبه‌گری کنشگر در مقابل متجاوز است که از روی احساسی، عاطفی و جنبه سنتی صرف ندارد، بلکه بر اساس یکسری از اصول عقلانی و موازین اسلامی رفتار صورت می‌گیرد. ایثار و شهادت‌طلبی عاملی است که انسان بر اساس تفکر منطقی آن را در خود شکوفا کرده است. تا از طریق آن سلطه و سیطره استکبار را سد کرده و در مقابل طاغوت و دشمن ایستادگی کند. به نظر می‌رسد دفاع زمانی ایثارگری و شهادت‌طلبی محسوب می‌شود که در جهت حقیقت‌خواهی باشد، کنشگر رفتار خود را مبتنی بر کنش عقلانی و ارزش مبتنی می‌کند و در این شرایط هست که تأثیرات عمیق ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا می‌کند، آنچه در این مقاله بر اساس کنش ارزشی و عقلانی شهادت‌طلبی فراملی در سطوح مختلف بررسی شده، این پدیده الگویی موفق در محور

مقاومت و در مقابل استکبار عمل می‌کند، ولی به‌تنهایی و بدون توجه به ماهیت دینی و اندیشه امام خمینی و مبانی فقهی در جنبه تبیین‌پذیری تکمیل نخواهد شد.

آنچه در مبانی دینی - ارزشی اسلام وجود دارد و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بر آن اصول استوار هستند؛ فرد را قادر به انجام کنش «معنادار» می‌کند؛ در واقع فرهنگ شهادت‌طلبی ریشه دینی، بومی و ارزشی دارد که با مبانی فقهی مثل تکلیف‌گرایی، قاعده نفی سبیل و عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی قابل - ارزیابی و تحلیل است. آنچه در مبانی نظری و چهارچوب تئوریک مقاله ارائه شد تلفیقی از کنش ارزشی بوده که این کنش ارزشی در قالب گفتمانی انقلاب اسلامی و با تمرکز بر اندیشه حضرت امام خمینی (ره) بوده است. در متن اصلی مقاله شهادت‌طلبی را در سطح ملی، جهان اسلام و عرصه بین‌المللی و فراملی تبیین و تحلیل کرده است؛ سه قسمت مذکور به این ترتیب بررسی شده است.

### یافته‌های تحقیق

فرهنگ شهادت‌طلبی در سطح وطنی و ملی: ایثار و شهادت‌طلبی در مبانی دینی اسلام و باورهای اعتقادی ایرانیان عاشورا، نهضت حسینی (ع) و عصر نهضت امام خمینی از جایگاه و اهمیت ویژه برخوردار بوده است؛ به اذعان بسیاری از نظریه‌پردازان سیاسی نهضت انقلاب اسلامی متأثر از فرهنگ عاشورا است. به‌عنوان مثال، تدا اسکاچیل معتقد است: «شیعه، قیام [امام] حسین (ع) را به‌عنوان بهترین چهارچوب برای واکنش علیه شاه مورد استفاده قرار داد» (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۱-۳۰) و (هنری لطیف‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۴). میشل فوکو در این باره می‌گوید: «پس از کشتار هفده شهریور که وارد ایران شدم، فکر می‌کردم با شهری وحشت‌زده روبه‌رو خواهم شد. چون چهار هزار نفر کشته شده بودند. نمی‌توانم بگویم مردم را در آنجا شاد دیدم، اما واقعاً از ترس خبری نبود؛ حتی شجاعتشان بیشتر شده بود» (فوکو، ۱۳۸۵: ۶۳). شهید مطهری بر این باور بودند «...شهید برای خلق حماسه و تزریق خون در جامعه و برای نوربخشی و هدایت جامعه باید شهید شوند، شهادت امری آگاهانه و اختیاری و در راه و هدفی مقدس بوده و از هرگونه انگیزه خودگرایانه مبرا بوده امری قهرمان آمیز و حماسه‌آفرین بوده که به آن شهید می‌گویند» (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۵). بر اساس تعریف و مفهوم‌شناسی شهادت‌طلبی در دیدگاه شهید مطهری انطباق با کنش ارزشی وبر دارد و شهادت‌طلبی از روی محاسبه‌گری، عقلانی و در جهت ارزش‌های دینی و ایدئولوژیک قرار دارد.

عنصر عاشورا یک مفهوم منفرد نیست، بلکه بسیاری از مفاهیم دیگر با آن گره خورده است که توأمان به ذهن متبادر می‌شود. مفاهیمی نظیر «شهادت»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «جهاد» و «تولی و تبری» همگی ابعاد محتوایی حماسه عاشورا است که به شکل تمام و کمال کارکرد سیاسی یافته‌اند و به تفسیر ایرانیان از وقایع سیاسی داخل و خارج جامعه خود جهت می‌دهند. مفهوم جهاد نیز به‌عنوان یکی از فروع مذهب تشیع، روح انقلابی‌گری را در پیروان آن زنده نگه می‌دارد. در اسلام به‌طور عام و مذهب تشیع به‌طور خاص، توجه ویژه‌ای نسبت به جهاد شده است. این مفهوم در زندگی امام حسین (ع) تجلی تام یافته به‌گونه‌ای که شیعیان وی را سیدالشهدا خطاب می‌کنند.



بدین ترتیب، شهادت بستر مناسبی را برای تقویت روحیه مبارزه و انقلابی‌گری به‌خصوص علیه نظام‌های سیاسی که از منظر شیعیان ظالمانه تلقی می‌شوند، ایجاد کرده است. جنگ هشت‌ساله ایران با رژیم بعث عراق از نمونه‌های تأثیرپذیری از فرهنگ عاشورا و شهادت در سیاست خارجی است به‌گونه‌ای که ایرانیان حتی اسم صدام را از «صدام حسین» به «صدام یزید» تغییر دادند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۶۶). این نمونه تلفیق بین کنش عقلانی و ارزشی است که باهم دیگر در جهت مبارزه با صدام حسین مورد استفاده قرار گرفته و موفق عمل کرده است. رویکرد عقلانی و ارزشی در جبهه‌های جنگ عراق و ایران موج می‌زد، این تأثیرگذاری گفتمان ارزشی در «بسیج‌کنندگی نیرو»، «مبارزه و جنگ در میدان عمل» و «در پذیرش قطعنامه ۵۹۸» از مصادیق موفق و تأثیرگذار فرهنگ شهادت‌طلبی بود.

واژه استقلال برای جمهوری اسلامی به صورت واژه مقدسی درآمده که بدون عنایت به آن نمی‌توان بسیاری از رفتارهای ایران را در عرصه سیاست خارجی درک کرد. استقلال به لحاظ مفهومی نیز عبارت است از دارا بودن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با قدرت اعمال این تصمیمات و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت است. که در مقابل وابستگی تعریف می‌شود که رابطه‌ای یک‌طرفه بوده و به وضعیتی اطلاق می‌شود که تحولات یک جامعه به صورت مستقیم تابع تحولاتی باشد که در جامعه دیگر بروز می‌کند (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۱-۳۰). این ارزش بنیادین در ذهنیت ایرانی، ریشه در برخی مؤلفه‌های هویت دینی و تاریخی آنان دارد که متأثر از فضای انقلاب سال ۱۳۵۷، به یکی از دال‌های محوری گفتمان انقلاب تبدیل شد. در بعد دینی- اعتقادی، قاعده نفی‌سبیل که پیش‌تر بحث شد و برخی هنجارهای قرآنی که مسلمانان را حتی از مشاوره و دوستی با غیرمسلمانان نهی کرده است، می‌تواند از بن‌مایه‌های استقلال‌طلبی باشد (یاسری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). استقلال‌طلبی که حاصل گفتمان انقلاب اسلامی و از شعارهای محوری انقلاب بوده است در سایه فرهنگ شهادت‌طلبی حاصل شده است. بعد از گذشت نزدیک به ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی گفتمان استقلال‌طلبی تقویت شده و برای نظام برآمده از انقلاب اسلامی عزت را به همراه داشته است.

آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران در سطح وطنی و ملی تحول ایجاد کرد ارزش ایثار و شهادت‌طلبی بود که با شروع نهضت انقلابی ایران از دهه ۴۰ شروع شده است و تاکنون از ارکان پویای انقلاب به شمار می‌آید. فرهنگ شهادت‌طلبی با ایجاد تحولی شگرف در ابعاد فردی و اجتماعی، معنویت و الوهیت را در جامعه زنده کرد و با ایجاد تحولی درونی در جامعه، اخلاق فردی، دینی و اجتماعی مردم را به سوی آگاهی، رشد و بالندگی سوق داد (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۱-۳۰) و (دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۱۱). فرهنگ ایثار و شهادت و شهادت‌طلبی از بنیان‌های الهی سرچشمه دارد.

همین فرهنگ شهادت‌طلبی در بین مؤمنان و مجاهدان صدر اسلام بود که خواب را از چشمان مشرکان و کافران گرفته بود و از آنان مردانی پولادین، عاشق شهادت و شجاع ساخته بود و همین، موجب رعب و هراس دشمنان شده بود، به‌گونه‌ای که با وجود نفرت و تجهیزات فراوان، از مقابله با نیروهای اسلام می‌ترسیدند. ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار، به این دلیل در فضای مملو از معنویت در جبهه‌ها طبیعی

و منطقی بود که بهره‌گیری نظام از مفاهیمی نظیر عاشورا و امام حسین (ع) در حد اعلا می‌توانست پیروان را به گذشتن از جان خویش رهنمون سازد. از نتایج روحیه استقلال‌طلبی، احساس نوعی شکست‌ناپذیری است (صفوی‌همامی، ۱۳۸۷، ص. ۸۰). ایرانیان در تاریخ معاصر خود در جهت کسب، حفظ و اعتلای استقلال با موانعی مواجه شده‌اند که با عزم و اراده ملی در برابر آن‌ها مقاومت کرده و به مقصود رسیده‌اند؛ هشت سال جنگ تحمیلی عراق با پشتیبانی قدرت‌های بزرگ امریکا، شوروی سابق و اروپا، تحریم‌های گسترده ایالات‌متحده و غیره از نمونه‌های بارز مقاومت در روحیه ایرانی است. به نظر می‌رسد این امر، باعث نوعی احساس شکست‌ناپذیری و خودباوری ویژه در ایرانیان شده تا مصرانه بر خواسته‌های خود پافشاری داشته باشند. و در نتیجه ابتکار عمل را به دست آورند.

مقام معظم رهبری پدیده شهادت‌طلبی را مهم‌تر از سایر ابزارهای مادی می‌داند؛ «امریکا از مسلمانان اصول‌گرا وحشت دارد، زیرا می‌داند که جهاد و شهادت‌طلبی آن‌ها نیز امری اصولی و اسلامی است. امروز امریکا از ما می‌ترسد و باید هم بترسد، زیرا آنچه در دنیا تهدیدکننده است بمب و موشک اتمی نیست، بلکه سخن درست و برحق است که ما حامل آن هستیم و تا زمانی که مسلمانان درست و مؤمنانه عمل کنند و از شجاعت اسلامی برخوردار باشند دشمن آسیب‌پذیر خواهد بود» (دیدار سفر و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۷۱/۰۷/۱).

بر اساس آنچه گفته شد، فرهنگ شهادت‌طلبی علاوه بر نقش و جایگاه معنوی - الهی، بلکه تأثیر مستقیم در نهضت انقلاب اسلامی در سطح مبارزه با رژیم استبدادی پهلوی عمل کرده است. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، انقلاب اسلامی در دفاع در مقابل متجاوز از این رویکرد استفاده کرد. در تبیین نقش و تأثیر شهادت‌طلبی در سطح ملی و وطنی حداقل در سه مقطع تاریخی قابل تبیین و تحلیل است؛ **مقطع نخست**، در شروع نهضت امام خمینی از سال‌های ۱۳۴۲ یا پس از آن و دوره انقلاب اسلامی که شهادت‌طلبی به‌عنوان یک عنصر «بسیج‌گر» و «بسیج‌کنندگی» عمل کرده است و توانست نهضت حق را در مقابل باطل یا در مبارزه با طاغوت به پیروزی برساند.

**مقطع دوم**، از زمان شروع جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق علیه ایران که شهادت‌طلبی و ایثارگری در جمهوری اسلامی به دوره اوج طلایی خود رسید، با تولید گفتمان جدید از فرهنگ ایثار و شهادت در مقابل ظلم و ستم توانست جنگ را به پایان برساند.

مقطع سوم، پس از به پایان رسیدن جنگ تاکنون شهادت‌طلبی به‌عنوان یک عنصر انسجام‌بخش و «انسجام ملی» را به همراه داشته و همواره با شکل‌های مختلفی از ایثار و شهادت توانست در تثبیت و استمرار نظام سیاسی اثربخش باشد. هرچند این سه مورد ذکرشده بالا از مواردی است که به صورت عینی مشخص هستند؛ بسیاری از دستاوردهای شهادت‌طلبی که برای انقلاب اسلامی به دست آورده در حوزه علم و فناوری به‌خصوص در زمینه «دانش هسته‌ای»، «ساخت تسلیحات نظامی» و انواع دستاوردهایی که در سایه این فرهنگ برای انقلاب اسلامی به ارمغان آمده است.

در باب نقش و تأثیر شهادت‌طلبی در سطح وطنی و ملی گفتنی است که شهادت‌طلبی مفهوم قدرت قبل از انقلاب اسلامی، یعنی دوره رژیم پهلوی را تغییر داد. در دوره پهلوی قدرت سخت‌افزاری و مبتنی بر ارتش نیرومند و خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی، اقتصاد قوی و مهم‌تر از همه پشتیبانی و حمایت خارجی متکی بود با پیروزی انقلاب اسلامی ایران این رویکرد تغییر کرده و تحول اساسی پیدا کرد. انقلاب اسلامی و رهبری مقتدرانه امام (ره) باعث شد تا این‌گونه تعابیر از قدرت جای خود را به ابعاد معنوی بدهد. در واقع امام (ره) با پرداختن به مفهوم ایثار و شهادت‌طلبی توانست روحیه تحقیر شده و روبه‌زوال رفته مردم ایران را در طول سال‌ها حکومت نظام‌های استبدادی و شاهنشاهی احیا بکند. شهادت‌طلبی به‌عنوان یک عامل اصلی در پیشبرد و اهداف انقلاب در مقابله با دشمنان به حساب می‌آید (درزی کلایی و آقاسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). شهادت‌طلبی، امروزه یکی از مهم‌ترین مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است که موجب توسعه و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی در جهان اسلام شده و امروزه ایران به‌عنوان کانون محور مقاومت و مروج فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی فراوطنی قلمرو آن را به محور مقاومت و جهان اسلام گسترش داده است.

**فرهنگ شهادت‌طلبی در سطح جهان اسلام:** انقلاب اسلامی ایران از این ویژگی عمومی انقلاب‌ها مستثنی نبود، بلکه به دلیل ماهیت ویژه و خاصش، خود را حائز پیام ویژه‌ای می‌داند که باید آن را به گوش جهانیان برساند. این پیام ویژه به دلیل تفاوت زیاد انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های قبل از خود بود که به اعتقاد جان فوران، باعث تولید نسل چهارم نظریه‌های انقلاب شده است (خرم‌شاد، ۱۳۹۰، ص. ۵۰). از ویژگی ممتاز انقلاب اسلامی که در سایر انقلاب‌ها وجود نداشته یا کمتر این رویکرد را تجربه کردند، جنبه فرهنگی انقلاب اسلامی است که مبتنی بر اندیشه دینی و ایدئولوژیکی است. زمانی انقلاب مبتنی بر گفتمان خاص خود بوده همواره همین گفتمان را ترویج و گسترش می‌دهد. یکی از فرهنگ و ارزش‌های گفتمانی انقلاب اسلامی شهادت‌طلبی و ایثارگری است که در این زمینه موفق عمل کرده و در سطح جهان اسلام تأثیر گذاشته؛ حداقل امروزه در کشورهای نظیر لبنان، عراق، سوریه و یمن با اتکا بر فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی در مقابل استکبار ایستادگی می‌کنند و در مقابل داعش پیروز شدند و یمن در مقابل هجوم سعودی‌ها مقاومت کرده است.

فرهنگ شهادت‌طلبی به‌مثابه یک مؤلفه قدرت نرم یاد شده است. ایستادگی و شهادت در اندیشه سیاسی شیعه، عامل نجات‌بخش و یک هدف راهبردی است که ریشه و بنیاد آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. هرچه فراموشی جهاد و شهادت در جامعه اسلامی موجب ذلت مسلمانان آن جامعه می‌شود، به همان اندازه داشتن روحیه جهاد و شهادت، آفریننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان است. فوکویاما در این باره می‌گوید: «بال سرخ شیعه شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است» (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۹). اگرچه این گفتمان و فرهنگ شیعی به اهل تسنن و کل عالم اسلامی پخش شده است. پیام ویژه، در گفتمان انقلاب اسلامی به «صدور انقلاب» تعبیر شد که متضمن نوعی برون‌گرایی بسط محور ایدئولوژیک بود که از سوی برخی مفسران

داخلی و خارجی به معنای فتح سرزمینی یا برون‌گرایی بسط‌محور سرزمینی (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳۰-۱) و (دهشیری، ۱۳۷۸) تلقی شد.

آنچه از بیانات و مواضع رسمی سیاست‌گذاران روابط خارجی ایران استنباط می‌شود آن است که صدور انقلاب به معنای تشریح و معرفی اهداف، آرمان‌ها و آموزه‌های آن به مردمان و ملل مشتاق است؛ بنابراین، برخلاف تصور مزبور، صدور انقلاب اسلامی متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی و فتح سنگر به سنگر در سایر کشورها نیست. در واقع صدور انقلاب استعاره‌ای برای نشر ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌رهایی‌بخش آن است (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳۰-۱) و (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲). آنچه امروزه در کشورهای جهان اسلام اتفاق افتاده بر اثر صدور گفتمان انقلاب اسلامی است، پدیده ایثار و شهادت‌طلبی از عناصر قوام‌دهنده این گفتمان است که توانسته در سطح جهان اسلام موفق عمل کند. از تأثیرات شهادت‌طلبی در سطح جهان اسلام علاوه بر ایجاد اتحاد بین مسلمین و وحدت بین شیعه و سنی با الهام‌گیری از این گفتمان در مقابل داعش و گروه‌های تروریستی تکفیری جهاد می‌کنند و ملت یمن با تکیه بر این گفتمان و فرهنگ در مقابل سعودی‌ها ایستادگی و مقاومت می‌کنند. بخشی از ارزش‌ها و فرهنگ انقلاب اسلامی که خود ریشه در تاریخ اسلام و نهضت امام حسین (ع) در کربلا داشت در خود نهضت انقلاب اسلامی بازتولید شده گفته شد. در دوره کنونی فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی از مهم‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی برای کشورهای جهان اسلام صدور شده است، فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی به صورت اعم در کشورهای جهان اسلام و به‌طور اخص در کشورهای محور مقاومت اشاعه پیدا کرده است که این یکی از تأثیرات صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در این زمینه مقام معظم رهبری فرمودند «روحیه و صف‌ناپذیر شهادت‌طلبی در میان جوانان فلسطینی ستودنی است. عزم و اراده مستحکم مردم فلسطین، به‌ویژه جوانان، موجب شده است قدرت مقاومت در فلسطین به‌شدت افزایش یابد» (دیدار رئیس دفتر سیاسی حماس و هیئت همراه با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۰۳/۷).

شهادی مدافع حرم در ابتدا بسیار مظلوم بودند و مقام معظم رهبری هم چندین بار به این موضوع اشاره کردند که این‌ها از شهدای جنگ تحمیلی هم مهجورتر و مظلوم‌ترند. اوایل که جنگ سوریه آغاز شده بود شهدای مدافع حرم را بدون هیچ تبلیغات و مراسم تشییع مفصلی دفن می‌کردند؛ بچه‌های تیپ فاطمیون هم به همین ترتیب بودند، اما رفته‌رفته خون این شهدا راه را باز کرد. اوج آن هم شهید حججی بود که اسیری و بعد هم شهادتش با آن حال معنوی تجلی روز عاشورا بود.

شهادی فراوطنی انقلاب اسلامی که به شهدای حرم مشهور شده‌اند را برخی شهدای امام زمان (عج) نام‌گذاری کرده‌اند، زیرا این شهدای حرم هستند که در حال جهانی کردن انقلاب اسلامی هستند. شهدای انقلاب و شهدای جنگ در زمان خودشان به مسئولیت خود عمل کردند. این شهدا در حال گسترش فلسفه ظهور امام زمان (عج) و مهدویت هستند. شهادی مانند شهید حججی در حال جهانی‌شدن هستند و خون شهید حججی به همه جای جهان؛ مصر، سوریه، ترکیه و عراق و رفته است

و تنها خدا می‌داند که این شهید چه امتحاناتی را در پیشگاهش گذرانده که به چنین مقامی دست یافته است که ظهور و بروز آن در میان مردم و در همه‌جا قلب همه را دگرگون کرده است. شهدای فراوطنی و شهادت‌طلبی محور مقاومت دارای فرهنگ و ارزش‌هایی هستند که ساختار جهانی را تغییر می‌دهند، امروزه پیام و گفتمان انقلاب اسلامی مرزها را درنوردیده و «صدور انقلاب اسلامی» به معنای واقعی در حال تحقق است.

تحولات بزرگی در جهان اسلام با محوریت شهادت‌طلبی فراوطنی انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است، و اینکه با محوریت انقلاب اسلامی در جهان اهل سنت چه اتفاقی رخ خواهد داد. در جهان اسلام چه اتحاد عظیمی میان شیعه و سنی در مقابل غرب به وجود خواهد آمد (فیاض، ۱۳۹۶: ۱).

در حال حاضر یزیدیان فرقه‌ای عرفانی الحادی دارند که بدون خداوند و شرک‌آمیز است، یعنی همان عرفان پدران سفیانی‌شان است. الآن داعشیان همین عرفان کاذب را دارند که به آن‌ها اجازه می‌دهد دست به کشت و کشتار بزنند و ذبح کنند. این داعشیان و وهابیان همان عرفان قبایل عشایر عرب بدوی قبل از اسلام را دارند که قرآن نیز آن‌ها را نکوهش کرده است و می‌فرماید: «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا» (توبه، ۹۷). قرآن بیان می‌کند که عرب بدوی پر از کفر و نفاق است. حکمت علوی و نبوی بر «انا مدینه العلم و علی بابها» و «انا مدینه الحکمه وهی الجنه وانت یا علی بابها» استوار است. این‌ها که سفیانی‌ها و قبیله‌های مدینه بودند از ابتدا با مدنیتی که پیامبر اسلام ایجاد کرد، مشکل داشتند.

شهادت‌طلبی فراوطنی انقلاب اسلامی، برای نمونه شهادت محسن حججی که در این مسئله هم با کنش عقلانی و ارزشی قابل تبیین هستند. در مورد این مسئله که آیا ارزش‌های دفاع مقدس و انقلاب و جنگ تحمیلی توانسته به نسل‌های بعدی انتقال پیدا کند، می‌توان گفت شهید حججی نمونه و نشان‌دهنده این است که این ارزش‌ها به‌خوبی توانسته انتقال پیدا کند. اینکه این انتقال فرهنگی توانسته فراگیر باشد و بخش‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در سطح فراگیرتری در جهان اسلام و محور مقاومت مؤثر واقع شده، نقش ایفا کند (خواجه سروی، ۱۳۹۶: ۱).

فرهنگ شهادت‌طلبی به‌منزله یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم در بین مسلمانان به شمار می‌آید (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹، ص. ۹۹). که با آغاز نهضت امام خمینی (ره) این نهضت بازتولید شده و بعد از دو دهه این فرهنگ به ملت‌های مبارز مسلمان انتقال یافت. شریعتی در دو سخنرانی معروف خود با عنوان «شهادت و پس از شهادت» بیان کرده است: «هنگامی که حکام و قدرت‌های جابر و حاکم مردم را با زور و تزویر خاموش می‌کنند، تنها انتخاب آگاهانه شهادت است که می‌تواند سکوت حاکم را شکسته و حاکم را مفتضح سازد. امام حسین (ع) می‌توانست سکوت کند، اما با شهادت راه خود را ادامه داد» (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۰). آنچه امروزه در نهضت حزب‌الله لبنان، نهضت مردم یمن و بسیاری از نهضت‌های اسلامی عمل می‌شود بر پایه این گفتمان و کنش ارزشی است.

مقاومت مردم مسلمان و حضور مردم در رابطه با بحث دفاع از حرم، مقاومت در مقابل تکفیری‌ها و شکست دادن آن‌ها و مسائلی چون تهدیدها و تحریم‌ها و ایستادگی ملت ایران نشان‌دهنده این است

که فرهنگ مقاومت و ارزش‌های مقاومت به‌خوبی از نسل‌های اول به نسل‌های بعدی انتقال یافته است، زیرا اگر این انتقال صورت نگرفته بود، علاوه بر اینکه شهدای مدافع حرم وجود نداشت و گفتمان انقلاب اسلامی از طریق فرهنگ ایثار و شهادت در سطح جهان اسلام گسترش پیدا نکرده بود.

فرهنگ شهادت‌طلبی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی: آنچه در اسلام به‌عنوان ملاک تقسیم میان درون و بیرون مطرح می‌شود، عقیده است. از این منظر اسلام جهان را به لحاظ فکری و عقیدتی به دو منطقه «دارالکفر» و «دارالاسلام» تقسیم می‌کند. در خصوص تعریف دارالاسلام و حدود آن، اختلاف نظر فراوانی میان فقها و دانشمندان اسلامی وجود دارد. در دیدگاهی حداکثری، دارالاسلام سرزمین‌هایی است که در قلمروی حکومت اسلام هستند و احکام اسلام در آن سرزمین‌ها نافذ و شعائر و مظاهر دینی در آن‌ها برپا می‌شود. هنگامی که جزئی از این سرزمین مورد تجاوز دشمنان اسلام قرار گیرد، بر مسلمانان واجب کفایی است که به مقدار احتیاج در مقام دفاع برآیند و در صورت ضرورت، دفاع به‌صورت واجب عینی درخواهد آمد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۲۱۷) که بر همه مسلمانان تا بازگرداندن دوباره آن سرزمین به دارالاسلام، حتمی خواهد بود. در این دیدگاه پس از الحاق سرزمینی به دارالاسلام، امکان خروج آن وجود ندارد. در دیدگاهی حداقلی، دارالاسلام کشورهایی می‌باشند که اکثریت مردم آن مسلمان‌اند و کم‌وبیش قانون اسلام را اجرا می‌کنند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۵۸). تفاوت اصلی این دیدگاه با تعاریف گذشته، آن است که در آن حکم بر افراد بار می‌شود و نه بر نوع حکومت. حائز اهمیت آن که در مقابل دارالاسلام، دو مفهوم دارالکفر و دارالحرب وجود دارد که البته اکثر فقها در مقابل دارالاسلام، از مفهوم دارالحرب استفاده کرده‌اند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۵۶).

قاعده نفی سبیل یکی از قواعد مهم در تنظیم روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان است که به معنای بسته شدن هرگونه راه تسلط کفار بر مسلمانان است. این قاعده به‌عنوان «قاعده ثانویه» بر حکم اولیه مسائل حاکم است. به تعبیر عرفی‌تر، این قاعده به‌مانند حق وتو عمل می‌کند و هرچایی که انعقاد یک قرارداد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره که فی‌نفسه مباح و جایز است، اما در مرحله ثانویه زمینه‌ساز تسلط کافران بر مسلمانان است، وارد می‌شود و آن قرارداد را باطل می‌کند (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳۰-۱) و (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۸۶). آیات و روایات فراوانی به‌عنوان مستندات این قاعده استفاده شده است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء، ۱۴۱) و خداوند هرگز برای کافران راهی (برای تسلط) بر مؤمنان قرار نداده است. این رویکرد و اندیشه با فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی جنبه عملی به خود می‌گیرد (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳۰-۱).

کشورهای اسلامی با رهایی از سلطه استعمار خارجی، هویت جدید و مستقل اسلامی شکل می‌گیرد و با رهایی از سلطه مستکبران داخلی، آزادی معنا و مفهوم می‌یابد. به‌این ترتیب، ایثار و شهادت هسته مرکزی گفتمان و مفاهیم هویت، استقلال و آزادی، سایر مؤلفه‌های گفتمانی هستند که با دو مؤلفه ایثار و شهادت قوام می‌یابند. استقلال و آزادی، دو هدف کلیدی شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی است؛ مردمی که قیام کرده‌اند و بچه‌هایشان را، جوان‌هایشان را دارند فدا می‌کنند برای آزادی، برای استقلال، برای

اسلام [و] برای حکومت عدل به پا خواسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۰۸). امام (ره)، ضمن اشاره به فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان نقطه تمایز مکاتب غربی و الحاد با مکتب ناب اسلام، سعی در بازسازی مفهوم هویت اسلامی می‌کنند و در دل و روح مسلمانان، روح هویتی جدیدی را می‌دمند. ارتباط مفهوم هویت با مفاهیم ایثار و شهادت در گفتمان امام از همین‌جا پدیدار می‌شود. بدون ایثار و شهادت، رهایی از سیطره استعمارگران و مستکبران حاصل نمی‌شود (زاهد غفاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

امام خمینی (ره) در این زمینه فرمودند «ملت ما و قوای مسلح جمهوری اسلامی در این دو سال امتحان خود را داده‌اند که به‌هیچ‌وجه حاضر نیستند آنچه را با چنگ و دندان به دست آورده‌اند از دست بدهند؛ اگرچه با نثار جان و فرزندان عزیزشان باشد. شما خانواده‌های شهدا و معلولان و مجروحان نشان دادید که هرگز اجازه نمی‌دهید استعمار بر مقدرات این کشور سایه افکند. شما خانواده‌های شهدا با شهادت افتخارآفرینان این مرزوبوم به جهان فهمانید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. شما چشم‌وچراغ این ملتید، خداوند یارتان باد. شما با ایثار فرزندان و جوانان و عزیزان خویش به همه نشان دادید که توطئه‌های داخل و خارج نخواهد توانست بر این ملت مصمم پیروز شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص. ۷۹). بر اساس پیام و اندیشه امام (ره) مستفاد می‌شود که با شهادت‌طلبی توطئه مستکبران خنثی شده، در صحنه بین‌الملل قدرت نرم پیروز خواهد شد. در تصدیق آن آمده که؛ خون «شهادت‌طلبی» بر شمشیر «مهم‌ترین تسلیحات نظامی» پیروز است.

در گفتمان امام خمینی (ره) رمز استقلال کشور از ابرقدرت‌های شرق و غرب، ایثار و شهادت است. در این گفتمان، ملت با پشتوانه الهی قیام می‌کنند و با اتکال به قدرت لایتناهی خداوند متعال در مقابل قدرت‌های مادی غرب و شرق می‌ایستند، ایثار می‌کنند و شهید می‌شوند تا استقلال خود را از شرق و غرب به دست آورند؛ این یک مسئله الهی بود نه یک مسئله بشری، اینکه همه ایران در مقابل این قدرتی که این‌ها دارند، بلکه در مقابل همه قدرت‌ها ایستاد و با دست خالی مشت‌ها را گره کردند و نه به حکومت‌نظامی و نه به دولت نظامی و نه به پشتیبانی‌های امریکا و شوروی اعتنا نکردند و همه باهم در همه ابعاد کشور فریاد زدند که ما نمی‌خواهیم، مرگ بر این شاه! مرگ بر این سلسله (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۸۳).

البته یک ملتی که می‌خواهد در مقابل همه قدرت‌ها بایستد، نمی‌خواهد سازش کند با بلوک غرب و نمی‌خواهد سازش کند با بلوک شرق و «لا شرقیه و لا غربیه» می‌خواهد باقی بماند، می‌خواهد صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت را پیش بگیرد، باید مهیا بشود از برای اینکه همه پیشامدهایی که پیش آمده است و پیش خواهد آمد [شهادت و ایثار]. ما نباید گمان بکنیم که پیشامدها تمام شد. ما دست این ابرقدرت‌ها را از مخازن خودمان و تسلطشان را از کشور خودمان کوتاه کرده‌ایم و آن‌ها ساکت نمی‌نشینند. و ما باید توجه داشته باشیم و با کمال قدرت، اتکال به یک قدرت غیرمتناهی و آن قدرت الهی است [داشته باشیم] (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۷).

بر این اساس آنچه در شهادت‌طلبی فراوطنی دارای اهمیت است، شهادی محور مقاومت با نقش محوری ایران، سوریه و حزب‌الله تنها اتحاد مقابله‌جویانه در خاورمیانه است که بر منافع و اهداف ایالات‌متحده در منطقه خاورمیانه تأثیر گذاشته است. ضدیت با رژیم صهیونیستی، مخالفت با محافظه‌کاری عربی، قدرت‌گیری نهضت‌های اسلامی و اقلیت‌های شیعی، ترویج بیداری اسلامی و تهدید منافع امریکا در منطقه از نتایج و تأثیرات فراملی شهادت‌طلبی نیز به شمار می‌رود. در این زمینه گفتنی است که قیام‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه در واقع جنبشی بر ضدامپراتوری خاورمیانه است و با منافع امریکا همسو نیست (گریگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). ریشه بسیاری از قیام‌ها مخالفت با حکومت‌های اقتدارگرا و متحدان امریکایی هستند (برگین و بروز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). آنچه مسلم است در نتیجه تحولات جدید در منطقه در پرتو بیداری اسلامی «امریکا بازنده اصلی تحولات است» (والریش‌تاین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱)، زیرا در گفتمان جدید و بر اساس فرهنگ و آموزه بازتولید شده از طریق انقلاب اسلامی ایران معنای قدرت تغییر پیدا کرده است و قدرت نرم و معنوی تأثیر زیاد و گسترده‌تری نسبت به قدرت سخت دارد. پس در نتیجه شهادت‌طلبی در این تحولات نقش و تأثیری تعیین‌کننده دارد.

### بحث و دستاوردهای فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی ایران در سطح فراملی

در این قسمت یافته‌های مقاله ارزیابی شده و به نتایج و پیامدهای آن بحث شده است. دستاوردهای شهادت‌طلبی در عرصه نظری و عملی در پرتو انقلاب اسلامی ایران و الگوی شهادت‌طلبی فراوطنی در سطوح مختلف نقش ایفا کرده و تأثیرات مختلفی را گذاشته است. مهم‌ترین دستاوردی که می‌تواند داشته باشد این است که به جامعه نشان خواهد داد میزان موفقیت جامعه در انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از نسل‌های اول به نسل‌های بعدی تا چه حد بوده است. و اینکه انتقال آن از جامعه‌ای «انقلاب اسلامی ایران» به جامعه دیگر «محور مقاومت و جهان اسلام» تا چه میزان موفق عمل کرده است. این موفقیت و دستاورد بر اساس رفتار کنشگر در قالب رویکرد و کنش عقلانی و ارزشی قابل تبیین و تحلیل است که رفتار عقلانی شهید و ایثارگر از مبانی دینی، ارزشی و هنجارهای جامعه بوده است.

شهید و شهادت با مفاهیم خاص اسلامی برای جامعه ایرانی «سرمایه نمادین» پایدار محسوب می‌شوند که در شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی مردم موتور محرکه بوده و می‌توان آن را با اغماض‌های محتوایی تعبیر به سرمایه نمادین فرهنگی کرد؛ از منظر بورديو سرمایه فرهنگی شامل آن دسته می‌شود که برای مردم به‌عنوان نماد محسوب می‌شود و مردم برای دارنده آن احترام و منزلت خاصی قائل می‌شوند. سرمایه فرهنگی نمادین چیزی است که فرد با داشتن آن در چشم مردم مورد ستایش و احترام است.

1. Grigg  
2. Bergen and Bruse  
3. wallerstein



در کل باید گفت که سرمایه نمادین فرهنگی گونه‌ای از سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود که به‌عنوان نماد و سمبل و پرستیژ استفاده می‌شود و دارنده آن از جانب مردم یا گروهی خاص مورد احترام قرار می‌گیرد. که با وجود همه حملات به این مفهوم همچنان بار معنایی خود را حفظ کرده است. امام خمینی (ره) اصلی‌ترین شخصیت تولیدکننده گفتمان ایثار و شهادت است. رهبری معنوی و الهی امام (ره) در تئوریزه شدن این فرهنگ نقش مهمی در جامعه داشته است.

**نمونه شهادت‌طلبی فراوطنی:** در تحلیل نقش و تأثیر شهادت‌طلبی فراوطنی «محسن حججی» آن را از منظر زبانی نماد نظام دانایی انقلاب اسلامی تحلیل و بررسی شده؛ نظام معنایی هر ملت، ملت به معنای دقیق کلمه، یعنی هم معنای عرفی و مرسوم آنکه وجه جغرافیایی و نژادی دارد و هم در معنای دینی آن، یعنی دین، آکنده از مفاهیمی است که هم در نظام زبانی و اندیشه‌ای موجود هستند و هم در افواه عمومی یک جامعه است. این مفاهیم که در قالب الفاظ بیان می‌شوند به اقتضای زمان، مکان و فضایی که در هر دوره زمانی وجود داشته باشد، برخی در متن قرار می‌گیرند و برخی در حاشیه قرار دارد. این مفاهیم که از مجموع آن‌ها یک نظام معنایی شکل می‌گیرد، علاوه بر موجود بودن در نظام اندیشه‌ای و رفتاری یک ملت، هنگامی که با جهان‌بینی و نظام اندیشه‌ای آن ملت گره می‌خورند، می‌تواند نمایانگر مطلوب‌ها، تنفرها، هنجارها و آرمان‌های یک ملت باشد.

در نظام معنایی ملت در ایران، هم در وجه ملی و هم در وجه دینی، برخی مفاهیم همواره مطلوب تلقی شده و غالباً وجه قدسی نیز پیدا کرده‌اند و در ادبیات نوشتاری و گفتاری به انحای مختلف بازتولید شده‌اند. از جمله این مفاهیم می‌توان مواردی را برشمرد: شجاعت، دفاع از وطن، دفاع از ناموس، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، مظلوم‌نوازی، تبعیض‌ستیزی و مفاهیمی از این قبیل هستند.

در شهادت‌طلبی فراوطنی نظام معنایی و رفتاری شهید فراملی «حججی» تنها در بستر «نظام دانایی» انقلاب اسلامی معنا می‌یابد، یعنی ایشان با نظام معنایی‌ای می‌اندیشید و در بستر آن کنش می‌کرد که در انقلاب اسلامی بر ساخته شدن مفاهیمی مانند تکلیف، جهاد، ولایت‌مداری، دفاع از حریم وطن و دین است. در نظام دانایی انقلاب اسلامی، درس‌آموزی از امام مظلوم، یعنی حسین (ع) از جمله مفاهیم بنیادی است. مبارزه تا آخرین نفس و شجاعت و نشان ندادن ضعف در برابر دشمن از جمله درس‌های قصه کربلاست و در محسن حججی به‌عنوان کسی که خود را مقید به این مشرب می‌دانست نیز متجلی شد. وصیت‌نامه و فعالیت‌های فرهنگی شهیدای فراوطنی و محسن حججی نیز بیش از هر چیز نمایانگر نظام معنایی و زبانی‌ای است که تنها در منظومه انقلاب اسلامی معنا دارند. از این رو فهم جامعه‌شناختی و اندیشه‌ای پدیده حججی، مستلزم فهم آن منظومه است. در این منظومه است که مرگ برای انسان پایان حیات نیست، بلکه آغاز زیستن است منتها در قالب و عالمی دیگر است. این نگاه است که شوق به شهادت در انسان می‌آفریند و او مشتاقانه به سوی مرگ این جهانی می‌برد. و محسن حججی این‌گونه بود و این شوق به شهادت در وصیت‌نامه و سبک زندگی جهادی‌اش متبلور شد.

حججی نه یک شخص، بلکه یک نماد است؛ از وجه نمادین ایشان نماینده گونه‌ای از تفکر است که در قالب یک مجاهد نمود پیدا کرده است. تفکری که تکلیف‌مداری دینی و مجاهدت به انحای مختلف در راستای آن را اصیل می‌داند و در راستای این اصالت حتی از بذل جان هم دریغ نمی‌کند؛ آن هم در زمانه‌ای که مادی‌گرایی در اوج است و منافع شخصی اصالت قرار گرفته است (بیننده، ۱۳۹۶: ۱). نمونه مطالعه شده از شهدای محور مقاومت/فراملی نشانه‌های رفتاری از کنش عقلانی و ارزشی گفتمان انقلاب اسلامی را در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل به نمایش گذاشت.

پس از تحلیل و تبیین نمونه‌ای از شهادت فراوطنی، برخی از دستاوردهای شهادت‌طلبی فراوطنی انقلاب اسلامی به صورت فهرست بیان می‌شود:

۱. فرهنگ ایثار و شهادت سبب تثبیت، استحکام گفتمان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران شد (غفاری هاشجین و دژگیر، ۱۳۹۲: ۱۰۶).
۲. شهادت‌طلبی استقلال و آزادی به‌دست‌آمده پس از انقلاب اسلامی را در مقابل استکبار حفظ کرد علیرغم تلاش‌های متعدد دشمن در این زمینه انقلاب اسلامی موفق به حفظ استقلال و حفظ تمامیت ارضی شد.
۳. شهادت‌طلبی زمینه‌های توسعه و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی در کشورهای جهان اسلام و عرصه بین‌الملل را فراهم کرد (از مصادیق آن بیداری اسلامی، استکبارستیزی و مقاومت-محوری مظلومان در مقابل ظالمان است).
۴. مهار تروریسم و مقابله با تکفیر - داعش در جهان اسلام از نمونه‌های موفق تأثیر شهادت‌طلبی فراملی است که در این مبارزه کشورهای ایران، عراق، لبنان، سوریه، افغانستان و یمن نقش داشتند.
۵. عملی شدن آرمان انقلاب اسلامی و صدور انقلاب اسلامی که با اشاعه فرهنگ شهادت‌طلبی گفتمان انقلاب اسلامی نیز در این کشورها و کشورهای اسلامی منتشر خواهد شد.
۶. تزلزل جایگاه رژیم صهیونیستی و تحمیل هزینه‌های فراوان به ایالات‌متحده در مقابله با فرهنگ مقاومت و شهادت‌طلبی شد.
۷. فرهنگ شهادت‌طلبی در یمن سبب شده عربستان جوانان یمن را بزرگ‌ترین مانع پیشروی امریکا و عربستان به این کشور قلمداد کند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله چگونگی نقش و تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی فراملی انقلاب اسلامی بررسی شد. پرسش اساسی مقاله بررسی و تبیین فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی فراملی انقلاب اسلامی بر اساس کنش ارزشی چه نقش و تأثیر بیرونی داشته. در پاسخ به آن فرهنگ شهادت‌طلبی در سه سطح «ملی/وطنی»، «جهان اسلام و محور مقاومت» و «عرصه فراملی و بین‌المللی» بررسی شد.

بر اساس کنش رفتاری شهادت «فی سبیل الله» با «آگاهی/عقلانی» و «اختیار» در گفتمان فراملی انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد که بر اساس کنش رفتاری و بر نیز قابل تبیین هست، زیرا هم منطبق بر محاسبه‌گری و عقلانیت بوده و هم برخاسته از نظام ارزشی و هنجاری جامعه دینی اتفاق افتاده است. اگرچه مبانی دینی، ارزشی و فقهی مبتنی بر اسلام و اندیشه امام خمینی (ره) در نهضت انقلاب اسلامی ایران این کنش ارزشی را مبتنی بر فقه شیعی بازتولید کرده است. فرهنگ شهادت‌طلبی عرصه مبارزه را از سطح مادی قدرت به سطح معنوی و قدرت نرم تغییر داده و بر اساس این گفتمان در عرصه سیاسی عمل کرده و موفقیت‌هایی نیز نصیب خود کرده است.

زمانی که فرهنگ شهادت در جامعه رواج و گسترش پیدا کند، گرایش به شهادت‌طلبی برای حق‌طلبی و مبارزه با ظلم نیز گسترش پیدا می‌کند. در صدر اسلام با ترویج فرهنگ جهاد و شهادت توانست با جمع اندک و ناتوان مسلمانان اولیه، نصرت و یاری خداوند را کسب کرده، بزرگ‌ترین ضربه‌ها را بر پیکر کفر و شرک زده و سبب تثبیت و گسترش سریع اسلام شود. در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نیز استقرار نظام سیاسی و تداوم آن نیز چنین بود با وجود تمام قدرت‌های برتر و بزرگ جهانی که به پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز دنیا مجهز بودند موفق نشدند در مقابل انقلاب اسلامی به مبارزه بپردازند، بلکه انقلاب اسلامی با فرهنگ شهادت‌طلبی در مقابل همه این قدرت‌ها پیروز میدان شد. که ریشه این فرهنگ ارزشی در اصول بنیادین اندیشه امام خمینی (ره) که ذخیره فقه سیاسی اسلام است، گرفته شده است. برخی از مهم‌ترین این اصول؛ توکل، تکلیف، نفی سبیل، قدر مقدور، عدالت، جهاد، ایثار هستند. این اصول بنیادین نظری فرهنگ شهادت را فعال و کنش ارزشی مدنظر «وبر» را ایجاد کرده است که در عرصه عملی سبب مقاومت شده است.

فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی در سطح ملی زمینه رشد فرهنگ دینی و دانش و فناوری را فراهم کرد و توانست استقلال به‌دست‌آمده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را حفظ کند و جمهوری اسلامی تحکیم و تثبیت شود. فرهنگ شهادت‌طلبی در این مدت به‌عنوان مؤلفه «انسجام ملی» و «پویایی نظام با حضور مردم» را به نمایش بگذارد. در سطح فراملی شهادت‌طلبی موجب «وحدت جهان اسلام» و «اتحاد بین شیعه و سنی» در مقابل قدرت‌های بزرگ عمل کرد؛ علاوه بر این فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی به‌عنوان یک فرهنگ و ارزش دینی و فطری بشر در مبارزه با ظلم ستم به کشورهای اسلامی نیز گسترش پیدا کرد. در سطح بین‌الملل شهادت‌طلبی به‌عنوان یک عنصر «قدرت نرم» عمل کرده و در مقابل تمام قدرت‌های استکباری جهان ایستادگی کرده و همواره دستاوردهایی را نصیب خود کرده است.

## کتاب‌نامه

۱. افتخاری، اصغر؛ شعبانی، ناصر. (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بسیج، ۴۱، ۷-۳۰.
۳. بیننده، عبدالله (۱۳۹۶/۰۶/۱۲)، «فهم پدیده محسن حججی از منظر زبانی نماد نظام دانایی انقلاب اسلامی تهران»، قابل دسترسی در:  
www.tasnimnews.com
۴. پارکین، فرانک. (۱۳۸۴). ماکس وبر. ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات ققنوس.
۵. حسین‌زاده، سید محمدعلی. (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: دانشگاه مفید.
۶. خرم‌شاد، محمدباقر. (۱۳۹۰). بازتاب انقلاب اسلامی. تهران: سمت.
۷. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۶/۰۶/۱۲)، «بررسی پدیده مقاومت در جامعه‌شناسی»، قابل دسترسی در:  
www.tasnimnews.com
۸. درزی کلایی، محمدرضا؛ آقاسینی، علیرضا (۱۳۹۱). تأثیر شهادت‌طلبی از دیدگاه امام خمینی در تغییر مفهوم قدرت از منظر تئوری سازه‌انگاری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۳۱، ۹۱-۱۰۶.
۹. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸). درون‌گرایی و برون‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره). فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۹، ۷-۳۲.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۷). چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲). الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران. فصلنامه راهبرد، ۲۷، ۶۱-۸۰.
۱۲. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. ریمون، آرون. (۱۳۹۰). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. صفوی همای، حمزه. (۱۳۸۷). کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۷). فقه سیاسی. جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
۱۶. غفاری هاشجین، زاهد، سعید قربانی و محمد رحیمیان (۱۳۸۹). مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۳، ۱۶۵-۱۹۰.

۱۷. غفاری هاشجین، زاهد؛ دژگیر، مریم (۱۳۹۲). نقش فرهنگ ایثار و شهادت به مثابه سرمایه اجتماعی در پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۵، ۹۹-۱۲۳.

۱۸. غفاری هاشجین، زاهد؛ کاظمی، افسانه؛ کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان دفاع مقدس به مثابه سرمایه اجتماعی. *دو فصلنامه پاسداری انقلاب اسلامی*، ۶ (۱۴)، ۱۳۹-۱۷۳.

۱۹. فوکو، میشل. (۱۳۸۶). *ایران روح یک جهان بی روح و ۹ گفتگوی دیگر با میشل فوکو*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، چ پنجم، تهران، نی.

۲۰. فیاض، ابراهیم (۱۳۹۶ / ۰۶ / ۱۳). «تحلیل جامعه‌شناسی پدیده شهید حجاجی و چرایی سکوت سرد جامعه جامعه‌شناسی کشور»، قابل دسترسی در:

[www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)

۲۱. قرآن کریم.

۲۲. مشیرزاده، حمیرا؛ مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۸). هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل. *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۹ (۴): ۲۵۱-۲۷۰.

۲۳. مقام معظم رهبری، (۱/۱۳۷۱/۰۷/۱)، «بیانات دیدار سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور»، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir>

۲۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام). (۱۳۷۹). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۵. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱). *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۶. نوری، وحید؛ ملکوتی، محمد (۱۳۹۱). جایگاه عدالت‌طلبی در منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۶ (۱)، ۱-۳۰.

۲۷. هنری لطیف‌پور، یدالله. (۱۳۷۹). *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

## Refrence

28. Amid Zanjani, Abbas (1988), *Political Jurisprudence*, Volume 3, Tehran: Amir Kabir. (in Persian).

29. Bergen, Peter and Hoffman Bruce (2010), “*Assessing the Terrorist Threat*”, A

30. Binandeh, Abdullah (2017), *Understanding the phenomenon of Mohsen Hajji from the perspective of the symbol of the Islamic Revolutionary Knowledge System of Tehran*, *tasnimnews.com*. (in Persian).

31. Brunelli, Michele, “Globalisation of security in The Persian Gulf”, *Iranian Review of Foreign Affairs*, vol2, N.4, Winter 2012.

32. Darzi Kalai, Mohammad Reza and Alireza Agha Hosseini, (2012), Impact of martyrdom from Imam Khomeini's point of view on changing the concept of power from the perspective of constructive theory, Journal of Islamic Revolution Studies, Winter No. 31, pages 106 to 91. (in Persian).
33. Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal and Tajik, Mohammad Reza (1382), Patterns of the issuance of revolution in Iran's foreign policy discourse, Strategic Plan, No. 27. (in Persian).
34. Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2003), Conceptual Framework for Assessing Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Publishing Department of the Islamic Azad University. (in Persian).
35. Dehshiri, Mohammad Reza (1999), Introspection and extraversion in foreign policy from Imam Khomeini's point of view, in the research chapter of Imam Sadiq University (No. 9).
36. Department of Defense Dictionary of Military and Associated Term. Washington D.C: Department of Defense, (2002).
37. Eftekhari, Asghar and Nasser Shabani (2010), Soft power; an incompetent battle Analysis of the Hezbollah's 33-day war and the 22-day war of Gaza, Tehran, Imam Sadiq University. (in Persian).
38. Fayyad, Abraham (2017), Sociological analysis of the phenomenon of martyr Hajji and the cold silence of the sociological society of the country, Tehran Tsenim news agency; tasnimnews. (in Persian).
39. Foucault, Michelle (2007), Iran Soul of an unholy world and 9 other talks with Michel Foucault, Niko Sarkhosh and Afshin of the world, fifth, Tehran, Ni. (in Persian).
40. Ghafari Hashjin, Zahid and others (2010), The main components of the discourse of sacrifice and martyrdom in the Islamic Revolution, Journal of Islamic Revolution Studies, Winter No 23, pages 165 to 190. (in Persian).
41. Ghaffari Hashjin, Zahid and Maryam Dzhugir (2013), The role of the culture of sacrifice and martyrdom as social capital in the development of the Islamic Republic of Iran from the viewpoint of the Supreme Leader, Islamic Revolution Research, Summer 5, pp. 99-123. (in Persian).
42. Ghaffari Hashjin, Zahid, Afsaneh Kazemi, Abbas Keshavarz Shokri (2016), The study of the collective components of the culture of self-sacrifice and martyrdom in the memoirs of Azadegan of the Holy Defense as a social capital, Two Journal of the Islamic Revolutionary Guards, Volume 6, Number 14 (Autumn and Winter 1995, 2016) Pages 139-173. (in Persian).
43. Grigg, William Norman (2011), *"The Arab Uprising is a Rebellion Against"*
44. Henry Latifpour, Yadollah (2000), Political Culture of Shiite and Islamic Revolution, Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian).
45. Hossein Zadeh, Seyyed Mohammad Ali (2007), Political Islam in Iran, Qom, Mofid University. (in Persian).
46. Izadi, Hojatollah (2008), The Basics of Soft Power of the Islamic Republic of Iran, Basij Studies, p. 41, p. 7-30.

47. Khaje Sarveyi, Gholamreza(2017), Investigating the Resistance in Sociology, Tehran, Iran, tasnimnews.com.
48. Khorramshad, Mohammad Baqir(1390), Reflection of Islamic Revolution, Tehran: samt.
49. Mashirzadeh, Homira and Masoudi, Heidar Ali(1388), Identity and Conceptual Areas of International Relations, Political Dialogue, Journal of Law and Political Science, Volume 39, Issue 4. (in Persian).
50. Mousavi Khamenei(1379), Seyedorullah (Imam), Sahifeh Noor, Tehran, Institute for the regulation and publication of Imam Khomeini's works. (in Persian).
51. Naghib zade(1381), The Impact of National Culture on Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Bureau of Political and International Studies. (in Persian).
52. Noori Vahid and Mohammad Malekoti(2011), The position of justice in the sources of identity of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Foreign Policy, Vol. 26, No. 1, Spring, pp. 1-30. (in Persian).
53. Parkin, Frank(2005) Max Weber, Shahnaz Messipurist, Tehran: Phoenix Ghoghnoos. (in Persian).
54. Raymond Aron(2008), Islamic Republic of Iran Foreign Policy, Tehran: Imam Sadiq University Press. (in Persian).
55. Raymond Aron(2011), The Basic Processes of Thought in Sociology, by Bagher Parham, Tehran: Scientific and Cultural Company. (in Persian).
56. Report of the Bipartisan Policy Center's National Security Preparedness Group.
57. Ritz, George(1995), Theory of sociology in contemporary times, translated by Mohsen Solati, Tehran, scientific and cultural.5. (in Persian).
58. Supreme Leader, Statements by Ambassadors and Islamic Republic of Iran Workers Abroad, 23/09/1992.
59. The *Quran*
60. Wallerstein, Immanuel (2011), "*The Second Arab Revolt: Winners and Losers*."
61. *Washington's Empire*", available at: <http://www.mideastmag.com>.